

در شکسته، خط درویش عبدالمجید طالقانی، در نسخ، خط احمد نیری که پایه‌گذار نسخ ایرانی است، بیشتر مورد توجه جاعلین است.

ایده‌جعل تا حدودی هم به ذات ابن هنرها بر می‌گردد. درست است؟

بله، به تکتۀ خوبی اشاره کردید. این موضوع ریشه در متدولوژی هنرهای تجسمی و نظام استاد و شاگردی در شرق دارد. حتی در غرب هم هنر نقاشی با تقلید محض آغاز می‌شود تا جایی که نقاش باید بتواند مثلاً اثری از رامبراند را نقاشی کند. این موضوع در هنر خوشنویسی ایران به مراتب دشوارتر است و یک خوشنویس باید بتواند خط استادش یا یکی از خوشنویسان قلما را با تسلط تمام بنویسد و این خود سال‌ها سختی و ممارست دارد. وقتی هم که به نتیجه می‌رسد، دچار درد معصرت می‌گردد و آثار گذشتگان او از خودش بیشتر مورد توجه است و آثار خودش خریداری ندارد. خوب در چنین شرایطی و با توجه به کم‌رنگ بودن هنر در سبده فرهنگی جامعه معاصر، آن هنرمند به سراغ هنر و مهارتش می‌رود و از آن استفاده می‌کند اما نادرست.

در واقع شاگرد به لحاظ تخصصی و فنی به در جات بالایی می‌رسد و نه در سبب و سلوک هنری و انسانی!

خاطرهای به ذهنم رسید در این خصوص که بد نیست آن را کوتاه برای شما و مخاطبان تان تعریف کنم. استاد امیرخانی، تعریف می‌کرد که «روزی به منزل یکی از مجموعه داران رفته بودم. در اثنای این ملاقات، میزبان دو تابلو از آثار خودم را که به تازگی خریداری کرده بود را آورد تا به رؤیت من برساند. به محض دیدن، فهمیدم که یکی از آن دواتر جعلی است. اما به روی ایشان نیاوردم چون که امکان داشت مشکلاتی پیش بیاید. با خودم گفتم که چگونه می‌توان این تابلوی جعلی را از میدان خرید و فروش خارج کرد؟ چیزی به ذهنم رسید. هنگام خداحافظی و بدرقه از میزبان، درخواست کردم اگر می‌شود این تابلو (همان که جعلی بود) چندی پیش من امانت بماند. با تابلو به خانه برگشتم. نوبت به دیدار بعدی رسید. من یکی دیگر از آثارم را به آن دوست مجموعه دار دادم و خلعت ایشان گفتم که آن کار من (اثر جعلی) چندان مورد پسندم نبود و ترجیح دادم اثر دیگری تقدیم شما کنم. این چنین شد که من یکی از آثاری که به نفع جعل شده بود را از چرخه خارج کردم.» البته این اتفاق نادر است و یک هنرمند به راحتی نمی‌تواند آثار جعل شده‌اش را از بازار جمع کند. یکی از تأثیرات منفی این رخدادها آسیب دیدن بازار ما در خارج از کشور است. چون تأثیرات منفی و مخرب تولید آثار جعلی در یک چرخه دوباره به خود هنرمند بر می‌گردد و به اقتصاد آن هنر لطمات زیادی وارد می‌کند.

می‌دانیم که هنر خوشنویسی از آن دسته از هنرهای سنتی است که ارتباط مستقیمی با مسائل معنوی و عرفانی دارد. طبیعتاً چنین هنری وقتی می‌خواهد وارد دنیای علم و آکادمی شود، با مخالفانی روبرو خواهد شد. شما با وجود آگاهی از این موضوع، چگونه توانسته‌اید پژوهش در این امر را این قدر پیش ببرید که حالا ما کتب متعددی در زمینه پژوهش خوشنویسی داشته باشیم؟

با بخش اول حرف‌های شما موافقم. خوشنویسی از آن دسته هنرهایی است که معنویت در آن نقش به‌سزایی داشته و فقط آموزش در آن اهمیت دارد. اما تحصیل در رشته ادبیات فارسی و هنرهای نمایشی من را به این فکر واداشت که چرا یک هنر مثل خوشنویسی که با همان ادبیات فارسی همسمن و سال است، هیچ جایگاهی در دانشگاه ندارد؟ این تناقض مرا واداشت که بیشتر به این موضوع فکر کنم. اگر چه در دهه هفتاد که این موضوع برای من اهمیت پیدا کرد، کمتر به این موضوع بهایم دادند و باید یکی دو دهه پایداری و بافشاری می‌کردم تا به مروری بر پژوهش در خوشنویسی و هنرهای وابسته آماده‌تر گردم و خود این مسئله گویای آن بود که پژوهش در خوشنویسی بکر است و کارهای خوب و زیادی در این زمینه می‌توان انجام داد. با بسیاری از استادان که صحبت می‌کردم چندان ضرورتی برای گسترش مفاهیم نظری در هنر خوشنویسی نمی‌دیدند و صرفاً آموزش، خط و درست نوشتن برای آنان اهمیت داشت. همه این‌ها دست به دست هم داد تا من به فکر تالیف فرهنگ اصطلاحات خوشنویسی بقیتم. بعدها متوجه شدم این فرهنگ نخستین فرهنگ اصطلاحات در هنر خوشنویسی است و سپس سایر کشورها اقدام به تالیف چنین اثری به زبان‌های ترکی و عربی کرده‌اند. خیلی خوشحال هستم از این بابت که وقتی می‌گوییم ایرانی‌ها نقش مهمی در خوشنویسی اسلامی دارند، بی‌راه نگفته‌ایم و این کتاب و دیگر پژوهش‌های حوزه خوشنویسی ایرانی، نشانی بر این ادعا هستند.



یک کاغذ آهار مهره شده‌تر کیه‌ای یا هندی و... با ترام بسیار کم‌رنگ چاپ می‌کنند. گاه این کار را بر روی کاغذهای اصیل و قدیمی که در لنتهای نسخ خطی دوره تیموری یا صفوی باقی مانده پرینت می‌کنند و در مرحله بعدی با مرکب که بسیار به مرکب خط اصلی نزدیک است، یکبار دیگر روی آن با مهارت و دقت می‌نویسند.

عجب پروسه‌ای دارد و جناب جاعل، چه زحماتی را متقبل می‌شود! بانو چه به توضیحات حضرت تعالی، بخشی از کار جعل، نیل به خوشنویس حرفه‌ای دارد.

بله، بی‌شک در مرحله‌ای که روی خط چاپی باید دوباره با قلم و مرکب با کیفیت نوشت، نیاز به استادی هست که درجات بالایی دارد و چه بسا این افراد دارای مدرک استادی از انجمن خوشنویسان ایران باشند. چرا که برای آموزش در لجنمن حقوق بسیار اندکی دریافت می‌کند و راه درآمد دیگری نیز ندارد و ناچار است برای گذران زندگی سه چهار برابر کلاس آموزشی، درآمد داشته باشد.

خب، سر نوشت این خط در پروسه جعل به کجایم می‌رسد؟

در نهایت آن خط را به دست کسی می‌سپارند که در تذهیب دوره تیموری یا صفوی استاد است و کاری می‌کنند که به آن کهنه‌نمایی می‌گویند. البته آن هم برای خودش روندی است که روش‌های عجیب و پیچیده‌ای دارد. گاه برای کهنه کردن هم از کارشناسان مرمت آثار هنری نیز کمک می‌گیرند. لازم است یادآوری کنم که جعل بیشتر در مورد آثار هنرمندانی رخ می‌دهد که به قول امروزی‌ها برند شده‌اند. مثلاً در نستعلیق، خط میرعماد، میرعلی هر وی و غلامرضا صافهانی،

بسیار کمک می‌کنند. به عنوان مثال اگر کسی در دوران قاجار تصمیم می‌گرفت اثری مربوط به دوره صفویه را جعل کند، کارهای اصیل چندلی در دسترس جاعل نبود که بتواند به راحتی دست به جعل بزند. اما الان کتلی از میرعماد چاپ شده که سیصد اثر از کارهای ایشان آنجا چاپ شده است. خوب ببینید که با در دسترس بودن یک نسخه چاپی از آثار یک هنرمند خوشنویس و مطرح چه کارهایی در زمینه جعل می‌توان انجام داد. جالب اینجاست که برخی از اهالی این هنر به من گفته‌اند که شما (پژوهشگر) میدان را برای شلتاق جاعلین بازتر می‌کنید؛ چرا که «چو زد می‌با چراغ آید گزیده‌تر بزد کالا» مثلاً بنده آمده‌ام و تمام آثار خوشنویسی هنرمند استادی چون محمدحسین شیرازی را فهرست و معرفی کرده‌ام و چگونگی رقم زدنش را در یک کتاب درج کرده‌ام. در نتیجه جناب جاعل دستور عملی نیز یافته و برای طبیعی‌تر جلوه دادن اثرش می‌آید و به همان نحو عمل می‌کند.

روند انجام این جعل‌ها چگونه است؟ فکر می‌کنم که آگاهی از این موضوع برای علاقه‌مندان این رشته هنری جالب باشد.

قدم اول این است که جاعلین می‌روند از وبسایت‌های موزه‌ها و کتابخانه‌ها تصویری با کیفیت بالا از آثار دیده شده یک خوشنویس نامی را دانلود می‌کنند. از آنجا که خیلی‌ها به این وبسایت‌ها دسترسی ندارند، پس جاعلین یک الگوی اصیل و نادیده دارند که امتیاز بزرگی برای این کار محسوب می‌شود. از این تصاویر یک اسکن تهیه می‌کنند و با فتوشاپ یا کرل خط را از متن اصلی جدا کرده و بعد گاه در ترکیب‌بندی آن دست برده و کار می‌کنند و سپس آن را روی